

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
 Tel: 0049 1633458007
 E-mail: asangaran@aol.com
 مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالکلیان
 Tel: 00358 405758250
 E-mail: abdolgolparian@yahoo.com
 همکاری سر دبیر: بهمن خانی
 E-mail: khani@live.nl

ایسکرا

۳۸۹

اساس سوسیالیسم
 انسان است.
 سوسیالیسم
 جنبش بازگرداندن
 اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۳۰ آبان ۱۳۸۶، ۲۱ نوامبر ۲۰۰۷

سر دبیر: عبدالکلیان abdolgolparian@yahoo.com

بیانیه حزب کمونیست کارگری در باره خطر جنگ و مسابقه راست روی در اپوزیسیون

جنگ و تعابیر مختلف از "سناریوی سیاه و سفید" مصاحبه ایسکرا با عبدالکلیان

آنهایی که نهان و آشکار موافق جنگ اند و آرزوی "رژیم چنج" از بالای سر مردم دارند، لب مرز تفنگ هایشان را روغن میزنند و امیدوارند نقش "چلپی" و "اتحاد شمال" و "کرزای" و "جلال طالبانی" های ایران را بر عهده گیرند. برخی از اینها برای رژیم اسلامی نامه سرگشاده مینویسند که فکر نکنید لشکر کشی زمینی در کار نخواهد بود! یعنی بی هیچ شرم و حیایی اعلام میکنند که زیر باران کروزها و غرش هواپیماهای جنگی و در معیت ارتش آمریکا آماده هر جنایتی هستند.

و دسته سوم و البته حاشیه ای که با هیچکدام از دو دسته فوق نیستند، کسانی که قبلا شکست یا افول و عقب نشینی جنبش سرنگونی و سوسیالیسم را اعلام کرده بودند، حالا فضای تهدید جنگی و خطرات و مصائب واقعی جنگ را دستمایه رواج گیج سری و عرضه کالای یاس و شکست طلبی خود، و در واقع

صفحه ۲

بالاگرفتن احتمال جنگ و گسترش تبلیغات جنگی و تشدید تقابل آمریکا و جمهوری اسلامی، فی الحال صف بندی ها در اپوزیسیون بورژوازی و غیر کارگری رژیم را تغییر داده، یا صحیح تر، شفاف تر کرده است.

از میان آنهایی که مخالف جنگ اند، بخشی به بهانه دفاع از "آب و خاک" بی هیچ شرم و حیایی علنا اعلام کرده اند که در کنار جمهوری اسلامی خواهند بود! کسانی از اینها کفش و کلاه کرده اند تا هرچه سریعتر به میهن برگردند و یا حفظ "مرزبندی ها" در کنار احمدی نژاد و خامنه ای قرار گیرند. کسانی رویاهای شکست خورده دوم خرداد و جمهوری اسلامی دوم را از گنجه بیرون می آورند و رنگ و جلا میدهند و جدی تر از خود جمهوری اسلامی برای مضحکه انتخابات آماده میشوند. اینها امیدوارند که یک دور دیگر خاتمی و حتی رفسنجانی را بعنوان ناجی به مردم بفروشند!



عبدالکلیان

حزب، نشان از تحلیل ها، افق و سیاستی دارد که بر آن اتکا دارند. همین تحلیلها از اوضاع سیاسی بین المللی و منطقه ای، آنها را به این نتیجه رسانیده است که نه تنها تحلیل از اوضاع جنگی بلکه خیلی فاکتورهای پایه ای در جامعه را

صفحه ۲

جنگ احتمالی را در ۱۲ سال پیش بدرستی و با روشن بینی خاصی و از موضع یک کمونیست دخالتگر در شرایط و اوضاع سیاسی آن مقطع در این سمینار توضیح می دهد و فاکتورهای مختلفی را از زوایای گوناگون برمی شمارد. متن بحث او در این سمینار در سایت حکمت وجود دارد، علاقمندان به مطالعه آن را به این سایت رجوع می دهم. در همین رابطه احزاب "حکمتیست" و "اتحاد" در مورد بحران جنگ در دوره حاضر، پا را توی کفشی کرده اند و بجز سناریوی سیاه قادر به دیدن روشنایی و هیچ نقطه امیدی نیستند.

دیدن تصویر سیاه برای این دو

ایسکرا: بحث سناریوی سیاه، سناریوی سفید در نوامبر ۱۹۹۵ توسط منصور حکمت در سمینار وسیع اوضاع سیاسی ایران و با شرکت اعضای کمیته مرکزی و جمعی از کادرها برگزار شد. امروز با تشدید بحران جنگ، احزاب "اتحاد" و "حکمتیست" وقوع سناریوی سیاه را بیشتر از هر چیز دیگری واقعی و محتمل می بینند. به نظر شما سناریوی سیاه بر چه متنی قابل توضیح است و از نظر شما منصور حکمت چگونه به این موضوع پرداخته است؟

عبدالکلیان: منصور حکمت

شرایط دهشتناک بروز و وقوع یک

اسلحه ها و جبهه سوم سارا

صفحه ۴

اخباری از اعتراضات کارگری در چند روز گذشته

اعتراض کارگران به عدم پرداخت دستمزدها و بیکارسازی و اخراج

صفحه ۵

قطعنامه اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار در باره تغییرات قانون کار

صفحه ۵

حکم اعدام ماکوان مولودی زاده ۲۰ ساله متوقف شد.

صفحه ۶

کارگران اخراجی نساجی کردستان همچنان بلا تکلیف هستند

صفحه ۶

ابراهیم های سیاه جنگ بر فراز ایران به حرکت در آمده است!



محمد امین کمانگر

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

جنگ و تعابیر مختلف از "سناریوی سیاه و سفید" . . .

ازصفحه ۱

سیاه می بینند، منصور حکمت ۶ سال بعد از طرح بحث سناریوی سیاه، سناریوی سفید، آیا کمونیسم در ایران پیروز خواهد شد را مطرح می کند که من وارد جزئیات آن نمی شوم. فقط همین را اشاره می کنم که منصور حکمت در سال ۲۰۰۱ با ارائه بحثی عمیقاً پایه ای، به پیروزی کمونیسم در ایران پاسخ مثبت می دهد. این دوستان یکبار عمیقاً باید همین دو بحث را مطالعه کنند. تا تناقض پایه ای تحلیلپایان را با بحث سناریوی سیاه و سفید بیشتر متوجه شوند. منصور حکمت احتمال سناریوی سیاه را اینگونه توضیح می دهد:

میان آنچه که سناریوی سیاه نامیده ایم با یک تلاطم انقلابی یک دنیا تفاوت هست. بحث سناریوی سیاه صرفاً بر سر وقوع درگیری و کشمکش خونین نیست. تصویر ارتشی که به سوی مردم شلیک می کند و مردمی که فریاد می زنند "توپ تانک مسلسل دیگر اثر ندارد" تصویری از یک سناریوی سیاه نیست. این تصویر از یک انقلاب است. در انقلاب مردمی هم خون ریخته می شود. اما مشخصه سناریوی سیاه عنصر استیصال در جامعه است. ناتوانی جامعه از درک اینکه این وضعیت چرا پیش آمده، تا کی ادامه پیدا می کند، چگونه ختم می شود و الاخر. و در ادامه می افزاید:

اما من سناریوی سیاه را به وضعیتی اطلاق می کنم که صحبت نه بر سر تحول جامعه بلکه بر سر تخریب چهارچوب عمومی جامعه بر خلاف میل و اراده مردم و در متن عجز و استیصال عمومی است.

آیا روشنتر از این می توان احتمال سناریوی سیاه را توضیح داد؟ اینها را منصور حکمت بیش از یک دهه قبل عنوان کرد. حال سؤال این است آیا آنچه که در جامعه حاکم است عنصر استیصال است؟ آیا

جامعه ناتوان از درک این است هنوز که جنگی شروع نشده است، این وضعیت چرا پیش آمده است؟ آیا ناتوان از ادامه و ختم آن است؟ آیا اگر قرار باشد تخریبی در چهارچوب جامعه و توسط انواع جانوران و کانگسترهای هر دو قطب تروریستی صورت بگیرد، مردم در متن عجز و استیصال عمومی قرار دارند؟ اینها سؤالات اساسی و پایه ای هستند و کسانی که تصویر را فقط سیاه می بینند باید به مردم و نیرویی که در تعیین تکلف با رژیم اسلامی قرار دارند، توضیح دهند.

چنانکه گفتم منصور حکمت این احتمالات را ۱۲ سال پیش عنوان کرد که در همان ایام جایگاه عنصر استیصال را از یک شرایط و موقعیت انقلابی از یکدیگر بخوبی تفکیک می کند و روشن می سازد که عناصر و پیش زمینه های سناریوی سیاه شرایط و موقعیت استیصال گونه ای است که می تواند در جامعه وجود داشته باشد. با پاسخ دادن به این سؤال اساسی در شرایط امروز که استیصال است یا تحرك و امید انقلابی، جامعه با شفافیت بهتری احزاب و نیروهای سیاسی را بخوبی رویت خواهد کرد و تاکنون رویت کرده است.

ایسکرا: احزاب "اتحاد" و "حکمتیست" بر چه اساسی وقوع سناریوی سیاه را محتمل می بینند، اراده گرایانه که این احتمال را عنوان نمی کنند قطعاً باید بر یک تحلیل استوار باشد، نظر شما چیست؟

عبدل گلبریان: به نظر می رسد که از دیدگاه آنها منظره سیاه است، تحرك و امید را نمی بینند، فاکتورهایی را که منصور حکمت در آن دوره برای تقویت سناریوی سفید دم دست گذاشت، در افق و سیاست امروز آنها جایی ندارد. بر اساس نگاه آنها داستان به گونه دیگری است و بنا به تحلیلی که از اوضاع سیاسی در منطقه دارند چنین نتایجی را از آن گرفته اند. اما تنها نقطه شروع از تحلیلها نیست بلکه باید کمی از تحلیل فاصله گرفت و نگاه کرد که بر متن چه افق و سیاستی است که تحلیل از

آن به این نتیجه گیری می رسد. به نظر من سیاست این دو جریان مدتهاست که هر گونه تغییر و تحولی در جامعه را از بالا می بیند. حزب "حکمتیست" از همان مقطع انشعابشان بر این افق متکی بودند که باید از بالا کاری صورت بگیرد تا در قدرت سهم شد. بعدها هم که دیدیم حزب "اتحاد" هم در این مسیر بدنبال آنها رفت. امید بستن به تغییر و تحول از بالا بلاجبار این نیرو را وارد معاملاتی از بالا می کند. اگر دقت کرده باشید در تمام نوشته ها و مواضع و بیانیه های آنها جای عنصر امید و آن نیرویی که امروز بخوبی قادر است تمام معادلات هر دو قطب تروریستی را نقش بر آب کند خالی است. اینها تصادفی نیست بلکه ناشی از نپدید شدن و عدم امید به آن است. اما برعکس در این نوشته ها و اظهار نظر و بیانیه ها تا دلتان بخواهد از بررسی و تجزیه و تحلیل نیروهای سناریوی سیاه، میزان کشت و کشتار، آمار و ارقام کاربرد سلاحهایی که آمریکا بکار می بندد، اثرات انهدام مراکز هسته ای رژیم اسلامی و غیره موضوع بحث و بررسی این دو جریان در برخورد به خطر جنگ است. می خواهم بگویم که آویزان شدن این دوستان به بحث سناریوی سیاه و سفید منصور حکمت ذره ای حقیقت را نمایندگی نمی کند. در یک جمله باید بگویم که امید این دو جریان به تغییر و تحولات از بالا آنها را به چنان تحلیلی از اوضاع سیاسی امروز و در مقطع خطر جنگ رسانیده است که نه فقط سناریوی سیاه را نتیجه می گیرند بلکه مهمتر از آن و برای بدست دادن این سناریوی سیاه از مدتها قبل استیصال و شکست و نامیدی در جامعه را بعنوان تصاویر آذهان خویش عنوان کرده اند تا راحت بتوانند از سیاست و افق شکست و استیصال در جامعه و در تکمیل آن، دادن تصویری مبنی بر وقوع سناریوی سیاه دفاع کنند.

وقوع سناریوی سیاه تنها بر متن یک استیصال قابل توضیح است و به این اعتبار احزاب و نیروهایی که مشاهده عینی آنها وقوع سناریوی

صفحه ۳

بیانیه حزب کمونیست کارگری . . .

ازصفحه ۱

دنباله روی عملی از جریانات فوق، یافته اند. ایران اما عراق و افغانستان نیست. بازیگر صحنه سیاست ایران فقط جمهوری اسلامی و دار و دسته هایش و یا اپوزیسیون بورژوازی و "اتحاد شمال" چی ها و چلبی هایش نیستند. در ایران يك قطب اجتماعی بسیار قدرتمند چپ، رادیکال و سکولار حضور دارد که هم مقابل جمهوری اسلامی، هم جنگ و تروریسم دولتی و رژیم پنج نوع آمریکائی، و هم انواع و اقسام اپوزیسیون راست رژیم ایستاده است. قطب انسانیت. قطب آزادیخواهی و برابری طلبی. قطب کمونیسم کارگری. کارگران، زنان و معلمان و دانشجویان.

با بالا گرفتن تهدید جنگی و تبلیغات جنگی جامعه یکباره دارالمجانین نمی شود، بلکه مبارزه طبقاتی سابقاً جاری در اشکال حاد و قطبی تر بروز می یابد. این دقیقاً توضیح دهنده این راست روی های سراسیمه و هیستریک فوق الذکر است. با کمی دقت میتوان فهمید این حضرات در واقع در مقابل جنگ یا خطر جنگ و مصائب واقعی آن موضع نمی گیرند، بلکه مواضع شکست خورده و به هیچ جا نرسیده قبلی خود را بهانه خطر جنگ و مقابله با مصائب آن دوباره عرضه میکنند. و این باری پرده تر حرف دلشان را میزنند. بهمان میزان هم جامعه از لحاظ سیاسی قطبی تر میشود و انتخاب بین چپ و راست که در سالهای اخیر به نفع چپ در جریان بوده است قطعی تر صورت میگیرد.

در مقابل این راست روی ها، به نمایندگی قطب چپ جامعه، کارگران، زنان و جوانان و همه نیروهای انقلابی و آزادیخواه، حزب کمونیست کارگری اعلام میکند که علیه همه این پروژه های راست محکم ایستاده است. حزب با اتکا، به نیروی طبقه کارگر و مردم آزاده

نه جنگ، نه جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ آبان ۱۳۸۶، ۸ نوامبر ۲۰۰۷

جنگ و تعابیر مختلف از "سناریوی سیاه و سفید" . . .

ازصفحه ۲

سیاه است، به طبع این نتیجه گیری، اوضاع سیاسی را در استیصال، شکست، ناامیدی، فرار از سوسیالیسم و... می بینند و در ادامه این تصویر استیصال که در ذهن خود دارند تمام نگاهشان به تغییر و تحول از بالا و برای رسیدن به موقعیتی مبارزگونه و درجه چندم در معادلات بعد از وقوع جنگ است.

ایسکرا: منصور حکمت تنها از سناریوی سیاه صحبت نکرد بلکه تصویری از يك سناریوی سفید را هم در مقابل حزب و هر انسانی که قلبش برای آزادی و برابری می طبد به تفصیل بیان می کند، چرا این دو حزب به این وجه از مسئله نمی پردازند؟

عبدل گلبریان: واقعیت امر این است که در دوران طرح این مبحث که بگفته منصور حکمت آنرا از يك مشاهده اساسی شروع می کند، فاکتورهایی را هم که می تواند در عقیم ساختن سناریوی سیاه به میدان بیاورد بر می شمارد. آنچه را که بحث سناریوی سیاه و سفید در تقابل با احتمال وجه سیاه آن بیان می کند مربوط به دوره ای است که جامعه، و جنبشهای اعتراضی مردم، اعتصابات زنجیروار و هر روزه کارگری، مبارزات زنان برای کسب حقوق برابر، جنبش دفاع از حقوق کودک، به چه چرخیدن همین جنبشها در قامت امروزی آن هنوز با این شدت و حدت عرض اندام نکرده بود با وصف این او می گوید:

روش و نسخه ما برای يك سناریوی سفید، سازماندهی انقلاب علیه جمهوری اسلامی به رهبری طبقه کارگر در ایران است. حکومت کارگری جامعترین و کاملترین نمونه آن رژیم سیاسی مدرن و سکولاری است که از آن سخن می گوئیم. حکومتی که با تضمین آزادی و برابری برای همه و با گشودن صحنه برای دخالت وسیع و

مستقیم مردم در سرنوشت خویش، کلیه جریانات ارتجاعی را منزوی و خنثی خواهد کرد. فراخوان اول ما به مردم کارگر و زحمتکش و هر کس که آزادی و برابری کلمات مقدسی را برایش تشکیل می دهند، پیوستن به حزب و مبارزه مشترک همراه حزب علیه رژیم اسلامی و همه دورنماهای تاریکی است که ارتجاع بورژوازی جلو ملیونها انسان در ایران قرار داده است.

علازغم موقعیت برتر امروز جنبش سرنگونی و سیر بالندگی جنبش سوسیالیستی در ایران که تنها نقطه امید جامعه در مقابل شرایط امروز است، جهت گیری اینها ناتوان از تقویت و گسترش این روش و این نسخه برای سنگین کردن هرچه بیشتر سناریوی سفید است. نه تنها این بلکه از اساس یکی میگوید جنبش سرنگونی شکست خورد و آن یکی هم هیچ امیدی به پیروزی مردم ندارد. منصور حکمت روش و نسخه ما برای يك سناریوی سفید را در همان ۱۲ سال قبل جنبه مهمی از امر و وظایف کمونیستها برمی شمارد اما بعد از گذشت بیش از يك دهه و تحولات مهمی که در ایران اتفاق افتاده است، این دو "حزب" نه تنها جامعه را راکد و در همان شرایط میبینند، بلکه هر روز با "افتخار" صوت شکست و پایان این جنبشها را به صدا در میآورند.

اگر جنبش سرنگونی و تحرک و امید امروز مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی هم نمی بود، حداقل این دوستان می بایست به همان "چه باید کرد" يك دهه قبل از روش و نسخه کمونیسم کارگری برای يك سناریوی سفید اکتفا می کردند و آنرا امر خود می پنداشتند. منتها مسئله بر سر وفاداری و یا عدم پایبندی آنان به بحث سناریوی سیاه و سفید در شرایط سیاسی امروز نیست. به کنار نهادن منصور حکمت از جانب این احزاب امری

اختیاری نیست که صبح از خواب بیدار شوند و تصمیم به کنار نهادن خط و افق سیاسی حکمت بگیرند. مسئله هم این نیست که گویا درک غلطی از آن دارند و باید کاری کرد که درک درستی پیدا کنند. مسئله مهمتر، در تناقض و بی ربطی این خط به این مبحث و دیگر جهت گیریهای منصور حکمت این است که این دوستان مدتهاست که ساز دیگری را می نوازند. سازماندهی انقلاب علیه جمهوری اسلامی به رهبری طبقه کارگر که نسخه و روش سناریوی سفید است، برای آنان موضوعیت ندارد. چشم دوختن به بالا و سیاست ائتلاف با هر نیرویی از بالا و از مقطع شروع تز ائتلاف با حجابیان تا به امروز و در صورت وقوع جنگ در آینده، تمام آن افقی است که این خط در دستور کار و فعالیت خود گذاشته است.

برای يك حزب سیاسی چپ مدعی دفاع از متد منصور حکمت، چشم دوختن به آن نیروی اجتماعی و کلیدی در جامعه که می تواند تمام این نقشه و طرحهای سیاه را در جامعه جارو کند محور مسئله است. بی ربطی حزب "حکمتیست" و "اتحاد" به خط مارکسیسم و منصور حکمت را باید در چنین مقاطعی بخوبی نشان داد. من از این دوستان می پرسم، تغییر و تحولات بعد از طرح سناریوی سیاه و سفید در جامعه ایران را که مدام از شکست و استیصال آن قلم می زنند بکنار، آیا توانسته اند بر اساس همین بحث سناریوی سیاه و سفید، ابعاد سفید آنرا که همانا تقویت و سازماندهی جنبش کارگری و جنبشهای اجتماعی از پایین است را محور فعالیت خود قرار دهید؟ منصور حکمت در این بحث و در همان ۱۲ سال قبل کلی در مورد راه حل و سنگین کردن وزنه مردم و جنبشهای اجتماعی در غلبه بر سناریوی سیاه راه نشان می دهد اما این دوستان "طرفدار حکمت" ناتوان از چرخیدن بطرف وجه سفید این معادله هستند. پرچم سرخ را زمین گذاشته و در حالیکه جنبشهای اجتماعی در ایران سرخ شده اند اینها پرچم سیاه برداشته اند

ایسکرا: تناقض سیاست و جهت گیری این دو حزب را با بحث سناریوی سیاه و سفید منصور حکمت چگونه باید توضیح داد؟ حزب کمونیست کارگری چه موضعی دارد و در تقابل با خطر جنگ چکار می تواند بکند؟

عبدل گلبریان: تا هم اکنون و از طرف احزابی که خود را "حکمتیست" و "اتحاد" نام نهاده اند، چسبیدن کلیشه وار و دگم به بحث سناریوی سیاه و سفید و البته به بخش سیاه آن، برای خالی نبودن عریضه است که گویا بر مواضع و نظرات حکمت پافشاری میکنند. بطور مشخص تناقضی که این بحث منصور حکمت با سیاستهای امروز آنان دارد، کاملاً قابل رویت است تیترا این تناقض را در این باید نشان داد که منصور حکمت در این مبحث و با برشمردن فاکتورهای بسیار متنوع و مختلفی در اوضاع سیاسی و احتمال وقوع جنگ در آن مقطع، نقطه امید و آن نیرویی را که می تواند این افکار گسیختگی را مهار کند، به جامعه، طبقه کارگر، نیروهای آزادیخواه و برابری طلب و کلا انسانهای مدرن و متمدن در پایین رجوع می کند اما این مدافعین دروغین حکمت تمام نگاهشان به بالا است. تفاوت و فاصله این دو حزب را از خط حکمت باید از اینجا دید. این آن مسیری است که اینها دارند می پیمایند.

اینجا دیگر ضرورتی به این نیست که از این دوستان خواسته شود تا به متد این بحث بنگرند و متقاعدشان ساخت که آنرا درست دریابند، بلکه باید تناقض و بی ربطی این سیاستها را به ندیدن عنصر امید، طبقه کارگر، و اعتراضات اجتماعی که قدرتمند تر از همیشه به مصادف با رژیم اسلامی رفته است برای جامعه نشان داد. مشکل این دوستان سابق این است که با امید بستن به افق سیاسی و تاکتیکیانشان از بالا، مدتهاست که به انکار وجود جنبش سرنگونی رسیده اند. هر اسمی را بخواهیم روی آن بگذاریم یا به هر

چیزی شباهت داشته باشند، مطلقاً و منطقی با روش و خط منصور حکمت خوانایی ندارند و در تناقض پایه ای با آن قرار گرفته اند.

منصور حکمت تحت عنوان چه می توان کرد، آن راه حلی را که می تواند جامعه را از وقوع سناریوی سیاه واکسینه کند نشان داده است. حتی اگر بخش چه می توان کرد را هم نمی نوشت، وظیفه هر کمونیست کارگری می بود که امروز با مشاهده آنچه که در جامعه می گذرد، چه باید کردش را دم دست می گذاشت و آنرا بعنوان پادزهر وقوع هر سناریوی سیاهی به نیروی های دخیل در جامعه به کارگران به زنان و کل مردم، بعنوان راه حل اساسی ارائه میداد.

حزب کمونیست کارگری بدو با اتکا به این متد منصور حکمت و با توجه به درک درستی که از تحولات سیاسی و جایگاه جنبشهای اجتماعی دارد با تمام قدرت میخواهد همین جنبشهای انقلابی را در مقابل هر سناریوی احتمالی تقویت و هدایت کند. پایه های مادی و عینی عنصر امید و پیروزی انقلاب در جامعه ایران یعنی وجود همین جنبشهای اعتراضی، چپ و رادیکال به اضافه خود حزب کمونیست کارگری. همین مولفه ها در تقویت سناریوی سفید که در خود موجب تضعیف و حاشیه ای کردن هر سناریوی سیاهی هم هست امر خود می دانند.

حزب کمونیست کارگری تلاش کرده و تلاش می کند آن نیروی مادی و واقعی که امروز حی و حاضر در صدد پایین کشیدن رژیم اسلامی است محور قرار دهد و عقیم ساختن ایجاد هر نوع شرایط سیاهی را نه در معادلات از بالا بلکه در متشکل ساختن، سازماندهی کردن و تقویت هرچه بیشتر مبارزات و اعتراضات طبقه کارگر و کل جامعه در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بعنوان یکی از دو ستون این جنگ به امری در تقابل با خطر جنگ تبدیل کند.

۱۷ نوامبر ۲۰۰۷

آزادی، برابری،

هویت انسانی!

اسلحه ها و جبهه سوم

سارا



از کنار پارک که رد میشدم چندتا از بچه های کوچک مهدکودک را دیدم که داشتند با هم بازی میکردند بین سن ۴ و ۵ ساله بودند برای چند لحظه ایستادم و بازیشان را از کناری نگاه می کردم چقدر زیبا و دوست داشتنی بودند. آدم وقتی توی صورتشان نگاه می کند از خوشی به وجد می آید وقتی چشمان براق و پوست لطیفشان را نگاه می کنم لذت می برم و حس می کنم قلبم تندتر می زند. چقدر این وروجکهای خوشگل را دوست دارم و با دیدنشان احساس شادی می کنم احساس امید به زندگی و تلاش برای یک دنیای بهتر ...

آنها اسلحه های اسباب بازی توی دستشان بود و به چند دسته تقسیم شده بودند و هرکدام پشت بوته های پارک سنگری می گرفتند و بعد با اسلحه های پلاستیکی که توی آن پر از آب بود به همدیگر آب می پاشیدند و بعد از پشت بوته ها بیرون می آمدند و قهقهه زنان می خندیدند. صدای قهقهه آنها که توی فضای پارک می پیچید واقعاً من را به وجد آورده بود .

اما ناگهان فکرم متوجه دنیای نا امن این کودکان شد یکه خوردم انگار آب داغی روی سرم ریخته شد یک دفعه دنیای نا امن و سرشار از فجایع و تراژدیهای انسانی در ذهنم تداعی شد، افراد جنگ طلب و قدرت طلب را بیاد آوردم که هر کدام سهم خود را از کره زمین می خواهند و هرکدام به نحوی به جان کره زمین و آدمهایش افتادند و برای سهم خواهی بیشتر از قدرت به هر نوع رفتار وحشیانه و ضد بشری

خدایی که کسی نمی داند چیست تنها تشنه خون است و با جهاد و کشت و کشتار و سریریدنها که در پس آن با گفتن الله اکبر دریای خون راه اندازد آرام میگردد و همیشه می خواهد مردم را ۱۴۰۰ سال به عقب بازگرداند. او ضد پیشرفت و مدرنیسم و ضد شادی و بازی و خنده است. هدیه این عالیجناب هم مثال هدیه بوش است و اسلام سیاسی هم اینگونه می خواهد قدرت نمایی خود را نشان دهد و از تکرار ۱۱ سپتامبرها و ترورهای هر روزه اش در سراسر دنیا هیچ باکی ندارد. و ما عطایشان را به لقایشان بخشیدیم...

اما در مقابل این دو قطب خونخوار و طرفدار توحش و بربریت، ما انسانهای مبارز و آزادیخواه یعنی جبهه سوم در صحنه هستیم و هرگز اجازه نخواهیم داد جهان میدان یکه تازی میلیتاریزم آمریکا و اسلام سیاسی شود. بله این ما هستیم جبهه سوم هستیم که هرگز اجازه نخواهیم داد دنیای قشنگ و زیبایی کودکانمان ویران شود و تنها در جبهه سوم است که اسلحه های پلاستیکی پر از آب همچنان در دست کودکان، کودکان می ماند و باز با پاشیدن آب به همدیگر و سنگ گرفتن در پشت بوته های قشنگ پارک بازیهای کودکان شان ادامه پیدا می کند. جبهه سوم که در آن کودکان مقدمند و حقوق جهانشمول انسان رافریاد می زند و جبهه سوم که در صدد بازگرداندن انسانیت به انسان است و سوسیالیزم و برابری و رفاه و آسایش را به جهان و جهانیان هدیه کند و مخالف هر نوع جنگ افزوری در سراسر دنیا است. جبهه سوم یک انقلاب سوسیالیستی را به حقیقت بدل میکند" سوسیالیزمی که اساسش انسان است و جنبشی است برای بازگرداندن اختیار به انسان" و در مقابل سیاستهای این دو قطب تروریستی مردم را فریاد خواند و اعتراض و مبارزه و فریاد آزادیخواهی را پرچم خود قرارداده است و برای سرچا نشاندن بوش و به زیر کشیدن احمدی نژاد مردم را به پیوستن به آن و انقلاب در مقابل آنها دعوت می کند.

به امید یک دنیای بهتر

ابراهای سیاه جنگ بر فراز ایران به حرکت در آمده است!

محمد امین گمانگر

ابراهای سیاه جنگ بر فراز ایران به حرکت در آمده است! پس از جنگ سرد و فروریختن دیوار برلین آمریکا ادعای قدرت برتر در جهان موجود را داشته و دارد! این تاریخ چند دهه ساله را در این نوشته کوتاه ورق نخواهم زد ولی لشکر کشی به خاور میانه و اشغال کشور عراق از این قلدرمنشی آمریکا ناشی می شد. تلاش وسیع این کشور برای تحمیل هژمونی سیاسی و نظامی خود در مقابل رقبایش و تغییر جغرافیای خاورمیانه (خاورمیانه بزرگ) تحت نام نظم نوین جهانی و دفاع از دموکراسی علیه تروریسم و گوشمالی دادن یا حتی ساقط کردن حکومتهایی در منطقه که به کمپ او نمی پیوستند و یا مخالف سیاستهای آمریکا بودند همچنان ادامه دارد. حکومت فاشیستی اسلامی ایران کره و سوریه جزو این حکومتها معرفی شدند. همچنین جهت استقرار نیروهای آمریکایی مدتها بود که رایزنی با سران کشورهای که از روسیه جدا شده بودند ادامه داشت، این وضعیت آقای پوتین رئیس جمهور روسیه را بر آن داشت که به انبارهای زراد خانه اش سرکی بکشد و دستور روغن کاری سلاحها را بدهد.

اما این رؤیای سران آمریکا، نه تنها به سرانجام نرسید و در نیمه راه در عراق به شکست منجر شد بلکه عراق مرکزی شد برای رقابت و زور آزمایی رژیم اسلامی و آمریکا چنانچه حتی پزشکان بیمارستانها هم هیچ امنیتی ندارند و بارها از آنان سؤال شده که آیا سنی هستند یا شیعه و در جواب گفته اند که ما فقط یک دکتر هستیم!؟ این یعنی در هم ریختگی و بیچارگی و هلاکت یک جامعه، این یعنی جامعه ای که در آن انسانیت یخ کرده و نمک فاسد شده است. جدیداً این کشور ویرانه و از هم پاشیده را عملاً به سه منطقه تقسیم کرده اند و این مسئله در آینده خونین ترین جنگها را در پی خواهد داشت و بار نفرت و کینه مذهبی و قومی را تا بی نهایت تشدید خواهد کرد. این لشکر کشی و این جنگ

خونین باعث رشد و گسترش اسلامیستها و بخصوص رژیم فاشیستی اسلامی ایران شده است و دست اسلام سیاسی را نه تنها در خاورمیانه بلکه در جهان باز کرده است.

این شرایط حربه مناسبی به دست رژیم اسلامی داد تا با برهم زدن توازن قوای منطقه بنفع خود با غرب در جایگاه قدرت اصلی خاور میانه حرف بزند. اکنون این رژیم میگوید کسی که میخواهد مسئله خاور میانه را حل کند باید بیاید با ما مذاکره بکند. در ضمن باحمله به سفره خالی و دست رنج کارگران و زحمتکشان و ثروت مردم ایران و در اختیار نیروهای فاشیستی اسلامی قرار دادن آن، توانسته است که فاشیسم اسلامی و این کوره آدم سوزی را در افغانستان عراق و لبنان و فلسطین فعال نگه دارد و این خطه از خاور میانه را به خاک و خون بکشد و از طرفی دیگر در داخل کشور هر صدای آزادیخواهانه و هر اعتراض برحقی را سرکوب نماید. مخصوصاً در این شرایط حساس که ابراهای سیاه آسمان عراق بر فراز ایران به حرکت در آمده اند رژیم میخواهد در داخل ایران هم توازن قوا را به نفع خود تغییر دهد. این جانیان واقعاً بیمار، تحت لوای اینک کشور در حالت جنگ است. امنیت ملی در خطر است. ما در محاصره اقتصادی قرار داریم به هیچی وبه هیچکس رحم نخواهند کرد و بیش از این فاشیستی ترین نظرات و حرکات را از خود بروز می دهند.

محاصره اقتصادی: محاصره اقتصادی یعنی تله مرگ فقرا، یعنی حمله به سفره کارگران و زحمتکشان و مردم ایران، یعنی شروع بیشتر مرگ نوزادان، محاصره اقتصادی یعنی مردم ایران ۲۴ ساعته باید بدون و کارکنند تا فقط مرگ خود از گرسنگی را به تعویق اندازند. محاصره اقتصادی ایران هیچ ضرری بحال سران رژیم اسلامی و آقا زاده ها ندارد، احمدی نژاد بصراحت گفت که این کاغذ پاره ای بیش نیست، دقیقاً برای او و هم

صفحه ۶

اخباری از اعتراضات کارگری در چند روز گذشته اعتراض کارگران به عدم پرداخت دستمزدها و بیکارسازی و اخراج

عسلویه: اعتراض کارگران فاز ۹ و ۱۰ عسلویه بنا به خبری که به حزب رسیده، کارگران فاز ۹ و ۱۰ عسلویه در اعتراض به ۴ ماه دستمزد پرداخت نشده خود، روز ۱۹ آبان دست به اعتصاب زده و خواهان پرداخت کلیه حقوق و مزایای معوقه خود شدند. کارگران اعلام کرده‌اند که اگر حقوق معوقه ۴ ماه گذشته آنها پرداخت نشود به اعتراض خود ادامه خواهند داد. کارفرما برای جلوگیری از گسترش این اعتراض به بخشهای دیگر، بخشی از حقوق معوقه کارگران را پرداخت کرد.

شفت: تجمع اعتراضی کارگران شرکت تعاونی جنگل "امامزاده ابراهیم" در مقابل فرمانداری کارگران شرکت تعاونی جنگل "امامزاده ابراهیم" روز ۲۰ آبان در مقابل فرمانداری شهرستان شفت در استان گیلان در اعتراض به عدم

دریافت حقوق و مزایای معوقه و همچنین پرداخت حق بیمه خود تجمع کرده و خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند.

دیواندره: تجمع اعتراضی کارگران و رانندگان سد "سیاه زاغ" در مقابل در شرکت بنابر اخبار منتشر شده، کارگران و رانندگان سد "سیاه زاغ" در نزدیکی شهرستان دیواندره استان کردستان روز ۲۰ آبان ماه در اعتراض به عدم دریافت دستمزدهای خود دست از کار کشیده و در مقابل دفتر این شرکت تجمع کرده و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند.

دشت آزادگان: تجمع بیکاران در اعتراض به بیکاری بنابه اخبار رسیده، تعدادی از بیکاران استان خوزستان روز ۲۲ آبان در اطراف میدان نفتی آزادگان در اعتراض به بیکاری دست به تجمع

زدند و خواهان کار شدند.

بردسیر کرمان: تجمع کارگران کارخانه قند در مقابل استانداری کرمان روز ۲۳ آبان ماه در اعتراض به تعویق در پرداخت حقوق و مزایای خود در مقابل استانداری کرمان دست به تجمع زده و خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. این کارخانه ۶ ماه است که حقوق و مزایای کارگران را پرداخت نکرده است. کارگران بعد از اینکه فرماندار قول رسیدگی به مطالباتشان را داد به تجمع خود خاتمه دادند اما آلتیماتوم دادند که اگر به خواسته هایشان رسیدگی نشود، مجدداً دیگر دست به تجمع خواهند زد.

نیشابور: کارگران چندین کارخانه نیشابور دست به راهپیمایی مشترک زدند کارگران خواهان امنیت شغلی،

پرداخت فوری دستمزدها، ممنوعیت اخراج و رفع تبعیض شدند

نزدیک به ۱۰۰۰ تن از کارگران کارخانجات مختلف شهرستان نیشابور در روز ۲۵ آبانماه دست به یک راهپیمایی مشترک زدند و به شرایط مشقت بار خود اعتراض کردند. در این راهپیمایی کارگران کارخانه های متعددی از جمله کارخانه قند نیشابور، شرکت ایران شعله، شرکت آسایش، شرکت یخچال سازی آزمایش، کارخانه یخچال سازی البرز نیشابور و شرکت آریا شرق شرکت داشتند و در حالیکه پلاکاردهائی در دست داشتند و علیه بیعدالتی شعار میدادند، از چهارراه امام شروع به راهپیمایی کردند و سپس در مقابل فرمانداری تجمع کردند و خواهان رسیدگی فوری به مطالبات خود شدند. کارگران اعلام کردند که تاکنون به مراجع مختلف دولتی، از جمله وزارت کار مراجعه کرده اند اما بی اعتنائی مسئولین دولتی مواجه شده اند. در پایان این راهپیمایی کارگران بیانیه ای حاوی مطالبات

آنها از جمله امنیت شغلی، جلوگیری از اخراج و بیکارسازی، پرداخت به موقع دستمزدها و مزایا و پاداش و عیدی، رفع تبعیض قرائت کرده و خواهان رسیدگی فوری به آنها شدند.

حرکت دسته جمعی کارگران مراکز مختلف کارگری در نیشابور ابتکار مهمی است که باید به الگوی کارگران در سراسر کشور تبدیل شود. قبلاً نیز کارگران در برخی شهرهای دیگر دست به اقدام دسته جمعی زده بودند. این یکی از مسائل مبرم کارگران است که بجای حرکات پراکنده، واحدهای مختلف در هر شهر و منطقه دست به اقدامات مشترک بزنند و حرکات بزرگ تر، قدرتمندتر و موثرتر سازمان دهند.

**آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرکز بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی**

**حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ آبان ۱۳۸۶
۱۷ نوامبر ۲۰۰۷**

قطعنامه اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار در باره تغییرات قانون کار

فوق بر کارگران به سادگی برای سرمایه داری ایران میسر نمیشد. در شرایط حاضر سرمایه داری ایران در تداوم سیاستهای ضد کارگری اعمال شده بر کارگران در طی ۲۸ سال گذشته و بر بستر آن، در صدد است تا با اصلاح تعدادی از مواد قانون کار موجود، سیاستهای ضد انسانی خود را به نحوی که بیش از پیش متضمن تامین شرایط و ملزومات سود آوری امروزی باشد، تثبیت نماید.

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار در این راستا اعلام میدارد:

۱- هم قانون کار موجود و هم تغییر در برخی مواد آن، ناشی از مصالح و منافع سرمایه داری ایران است و ربطی به مصالح و منافع ما کارگران ندارد.

۲- تغییرات مطروحه در قانون کار موجود در راستای تثبیت

اخراجهای دسته جمعی، دستمزدهای زیر خط فقر، عدم پرداخت بموقع دستمزدها، قراردادهای موقت کار، قراردادهای سفید امضا، دریافت سفته های میلیونی از کارگران برای اشتغال بکار، نبود ایمنی در محیطهای کار، گسترش پدیده کودکان کار، جلوگیری از ایجاد تشکلهای کارگری مستقل، ضرب و شتم کارگران معترض، بازداشت، محاکمه و زندانی کردن رهبران کارگری و در یک کلام تحمیل بردگی مطلق بر کارگران و تبدیل زندگی میلیونها خانواده کارگری به جهنمی دهشتناک برای آنان، بخشی از کارنامه سیاستهای ضد کارگری اعمال شده در طی بیش از دو دهه گذشته بر علیه طبقه کارگر ایران است و قانون کار موجود از اواخر دهه شصت بمشابه بازوی قانونی اجرای این سیاستها، ناظر بر آن بوده است.

چه بسا که بدون خانه کارگر و قانون کار موجود، تحمیل شرایط

همه مراکز کارگری در ساعات کار باید برسیمت شناخته شوند تا بدینوسیله کارگران قادر شوند نماینده های خود را در این تشکلهای و مجامع با خواست و اراده آزادانه انتخاب کنند

۶- قانون کار باید از طریق دخالت مستقیم و زیر نظر نماینده های سراسری منتخب مجامع عمومی کارگری و تشکلهای بر خاسته از آن تغییر یافته و به تصویب برسد

۷- اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار به نوبه خود تلاش خواهد کرد تا شرایط لازم در جامعه برای تصویب قانون کار توسط نماینده های منتخب مجامع عمومی کارگری و تشکلهای سازمانیافته بر خاسته از آن فراهم شود

**زنده باد همبستگی کارگری
اتحادیه سراسری کارگران
اخراجی و بیکار ۲۸/۸/۱۳۸۶
www.etthade.com
k.ekhrabi@gmail.com**

**از سایت های
حزب کمونیست کارگری ایران
دیدن کنید**

www.wpiran.org
www.rowzane.com

۵- تشکلهای کارگری متکی بر آراء جمعی و اراده آزادانه کارگران و برگزاری منظم مجمع عمومی در

ابراهای سیاه جنگ بر فراز . . .

حکم اعدام ماکوان مولودی زاده ۲۰ ساله متوقف شد.

فشرده و متمرکز، برای نجات جان ماکوان تلاش کرد و خوشبختیم اعلام کنیم که روز جمعه ۱۶ ماه نوامبر، خبر توقف این حکم به دست ما رسید.

این يك عقب نشینی از سوی جمهوری اسلامی ایران است. و ما برای لغو کامل این حکم و آزادی ماکوان تلاشهای خودمان را ادامه خواهیم داد.

بررسی این پرونده و نحوه رفتار جمهوری اسلامی در این پرونده و موارد مشابه نشان میدهد که چگونه جان انسانها در این نظام بی ارزش است و چگونه به راحتی آب خوردن علیه نوجوانان و جوانان حکم اعدام صادر و اجرا میشود.

کمیته بین المللی علیه اعدام توقف حکم اعدام ماکوان را به خانواده او تبریک میگویی و اعلام میکند که فعالیتها برای نجات قطعی ماکوان و آزادی او از زندان باید ادامه یابد.

نجات جان ماکوان یکبار دیگر اثبات کرد که ما میتوانیم جان انسانها را نجات دهیم. ما میتوانیم این کار را بکنیم، مادام خانواده محکومین به اعدام با ما تماس گرفته و کمک کنند خبر این وقایع را به گوش جهانیان رسانده و از امکانات متعدد برای نجات جان عزیزان آنها استفاده کنیم.

با کمیته بین المللی علیه اعدام تماس بگیرید و کمک کنید تا جان محکومین به اعدام را نجات دهیم.

کمیته بین المللی علیه اعدام

۳۰/۱۰/۲۰۰۷

www.adpi.net

manochermasori@yahoo.com

004670491749



ماکوان مولودی زاده

ماکوان را در حالی دستگیر کردند، که نزدیک خانه اش در پناه مشغول سیگار کشیدن بود. پدر و مادر ماکوان مدتها فکر میکردند، او را بجرم سیگار کشیدن دستگیر کرده اند. پدرش میگویی يك روز او را دیدیم که سوار بر الاغ کرده و در شهر میگردانند، مردم از ما می پرسیدند، به چه جرمی او دستگیر شده است و ما میگفتیم، شاید به جرم سیگار کشیدن. ما نمی دانستیم چرا او را گرفته اند و چرا به او توهین میکنند.

چند روزی نگذشت که حکم اعدام او را دادند و چند روز بعد جای اجرای حکم را نیز معین کردند.

این داستان ماکوان جوان است. ۲۰ سال دارد و یکبار در سلول مرگ جمهوری اسلامی نشسته است. گفته شد که چند جوان از او شکایت کرده و گفته اند در ۱۳ سالگی، ماکوان با آنها رابطه جنسی داشته است. و سپس گفته شد که این جوانها، بعد از شنیدن محکومیت به اعدام ماکوان، شکایت خود را پس گرفته اند. با وجود همه این مسایل، حکم اعدام او صادر شده و میرفت که زندگی يك جوان ۲۰ ساله، با نابودی کامل مواجه شود. ماکوان قرار بود در این روزها اعدام شود.

خبر این حکم، از طریق اقوام ماکوان به دست ما رسید. کمیته بین المللی علیه اعدام در يك کمپین

حزب است و اکنون در صحنه سیاسی ایران مدعی گرفتن قدرت سیاسی است. پس این نیروی عظیم انسانی نباید بگذارند که این جنگ به وقوع بپیوندد. برای سران رژیم اسلامی ایران جنگ نعمت است و برکتی است که از طرف خدا به سوی آنان اعطا می شود. بنظر من همانقدر که رژیم اسلامی به این جنگ نیاز دارد دقیقاً بسیاری از سران کاخ سفید بخصوص جرج دلبیوش هم به این جنگ نیاز دارد و برای حفظ موقعیت برتر خویش میخواهد از حربه جنگ استفاده کند.

تنها حرکتی که می تواند جلو جنگ را بگیرد واز نابودی و ویرانی این کشور جلوگیری کند، انقلاب مردم علیه این باند فاشیستی اسلامی است که زندگی مردم را به گروگان گرفته اند. کوتاه مدت ترین، کم دردسر ترین، کم خرج ترین و کم تلفات ترین راه این راه است. باید این مردم در صحنه ظاهر شوند واز خود دفاع کنند وآنهم قبل از این حمله و قبل از این جنگ.

مرگ بر جنگ،

مرگ بر رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی
زنده یاد انسانیت
۱۷ نوامبر ۲۰۰۷

دهند که با وجود اینکه سه دهه است اسیر یکی از مرتجعترین و فاشیستی ترین حکومتهای جهان معاصر هستند اما تن به ارتجاع اسلامی ن داده اند و خود را با جوانان کشورهای مدرن اروپایی تداومی میکنند.

مدنیت انسانیت و گرایش به چپ در میان دانشجویان و کارگران و اکثر جوانان ایران مدتهاست علناً پیرچشم بالا رفته است بنام خود صحبت می کند و مدعی خواسته های انسانیت است و از معنا و مفهوم مدرنی بر خوردار است و کلاً نود در صد از این مردم مخالف این رژیم عصر حجری هستند وهم مخالف حمله آمریکا. احزاب سیاسی و چپی (اپوزیسیون) که علیه رژیم اسلامی دارند مبارزه می کنند نظیرش را نه در عراق و نه در افغانستان شاهد نبودیم. بخصوص حزب ما حزب کمونیست کارگری ایران که در طول این چندین سال مبارزه بی وقفه ثابت کرده است که در بحرانی ترین و تنگنا ترین شرایط درست ترین رهنمودها را داده و انسانی ترین تصمیمات را گرفته است و این دیدگاه درست تاریخ اثبات شده این

دستانت چنین است. سران رژیم در هیچ دوره ای گرسنگی نکشیده و در سیاه ترین شرایط نخواهند کشید. فقط دست وحوش و بی احساس سپاه مفتخور اسلامی را بیشتر برای سرکوب ما باز می کند و تا جایکه بتوانند تحت این بها نه به هر جنایتی دست می زنند. آمریکا و متحدینش بخاطر منافعشان با رژیم اسلامی ایران در تخاصمند. اما آمریکا هم درست مثل رژیم جنایت کار اسلامی جنگش را با محاصره اقتصادی علیه ما شروع کرده است.

جنگ: قبل از هر چیز باید گفت که جنگ یعنی آتش و خون و ویرانی، یعنی تباهی و کشتار وسیع مردم در آن منطقه. اگر آمریکا و متحدینش به ایران حمله کنند یعنی خاور میانه در آتش این جنگ خواهد سوخت، یعنی انسانیت گردن زده می شود و در اولین حمله ها هزاران تن بمب و راکت بر سر مردم می بارد و هزاران نفر دما دم کشتار می شوند. اما هر دو طرف جنگ می دانند که ایران افغانستان نیست، ایران عراق نیست، قریب به هفتاد درصد مردم این کشور را جوانانی تشکیل می

کارگران اخراجی نساجی کردستان همچنان بلا تکلیف هستند

را پرداخت خواهد کرد.

از سوی دیگر کارگران شاغل کارخانه نساجی کردستان نیز در اعتراض به واگذاری این کارخانه به بخش خصوصی اقدام به تجمع در مقابل ساختمان اداری آن در داخل کارخانه کردند.

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار

۲۶/۸/۱۳۸۶

www.ettehade.com

k.ehraj@gmail.com

۲۲ نفر از کارگران نساجی کردستان که در مهر ماه امسال قرار داد آنها تمدید نشد علی رغم توافق برای دریافت سنوات خود همچنان بلا تکلیف هستند و بطور مرتب سر دوانده میشوند. این کارگران قرار بود به ازای هر سال سابقه کار خود، سه ماه و نیم به عنوان سنوات دریافت نمایند اما کارفرما تاکنون از پرداخت سنوات این کارگران خودداری کرده است و به همین دلیل طی روزهای گذشته این کارگران به کارخانه آمده و در آنجا بسر برده اند. کارفرما بار دیگر به این کارگران وعده داده روز دوشنبه مورخه ۲۸/۸/۸۶ سنوات آنها

تصحیح و پوزش

در ایسکرا شماره ۳۸۸ خبر مرگ گزینه ایردخواه به اشتباه خود سوزی قید شده بود در حالیکه گزینه با مصرف دارو اقدام به خودکشی کرده بود. بدینوسیله این خبر تصحیح می گردد. ایسکرا



مشخصات فنی: ماهواره هات برد ۸
فرکانس ۱۲۴۰۳ مگاهرتز
سیمبل ریت ۲۷۵۰۰
اف ای سی ۳/۴
پلاریزاسیون عمودی - Vertical
ایمیل: nctv.tamas@gmail.com
تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!